

عنوان مقاله:

کناره گیری حاکم در حقوق عمومی اسلام؛ پی جویی امکان، الزامات و اقتضائات

محل انتشار:

دوفصلنامه آموزه های فقه مدنی، دوره 13، شماره 24 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

حمیدرضا صفائی اوندری - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

محسن قائمی - دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی

خلاصه مقاله:

تشکیل حکومت و اساس مخالفت با وضعیت بی دولتی و از سوی تفکیک میان «حکومت» و «حاکم» و رویگردانی از مواجهه با وضعیت «حکومت ناقص»، «حکمروایی» را در میانه «حق» و «تکلیف» قرار داده است. این دوگانه معماگونه از سوی پذیرش حکومت توسط فقیه و در سویه مقابل در امکان کناره گیری و همچنین گزاره «نظارت و پاسخ گویی» تاثیرگذار است. مقاله حاضر به امکان سنجی «استعفای حاکم اسلامی» و قیود و الزامات مندرج در ذیل این گفته می پردازد (مسئله تحقیق) و بر اساس سیاق توصیفی تحلیلی، در نهایت «استعفا» را در قالب حق تحلیل می نماید و البته تاثیر اوضاع ثانوی بر «تحدید این حق» را در نظر خواهد داشت. البته این تاثیر به نحوی نیست که استعفا را به عنوان «حکم» در نظر انگارد. در فقه عامه و قوانین اساسی معاصر نیز استعفا «حق» دانسته شده است، ولی مبنای این حق در فقه عامه با فقه امامیه متفاوت است و اطلاق این حق در قوانین اساسی معاصر، در مقابل «مقیدبودگی این حق» در فقه عامه و امامیه قرار دارد.

کلمات کلیدی:

استعفا، عزل، حکومت اسلامی، حق ولایت، حکومت به مثابه امانت، حکومت به مثابه وکالت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1280344>

